
خودم با دیگران

(از چشم فوئنتس)

به انضمام

«مصاحبه با کارلوس فوئنتس» و «عصر زرین اسپانیا»

کارلوس فوئنتس

عبدالله کوثری

www.ketab.ir



نشر ماهی

تهران

۱۴۰۰

Carlos Fuentes
Myself with Others
Selected Essays
Farrar, Straus and Giroux, New York, 1988

www.ketab.ir

فونتس، کارلوس، ۱۹۲۸-۲۰۱۲ م.	سرشناسه:
خودم با دیگران؛ کارلوس فونتس؛ مترجم عبدالله کوثری.	عنوان و پدیدآور:
تهران، نشر ماهی، ۱۴۰۰.	مشخصات نشر:
۳۲۸ ص.	مشخصات ظاهری:
ISBN 978-964-209-168-3	شابک:
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا (فهرست نویسی پیش از انتشار).	یادداشت:
<i>Myself with Others: Selected Essays</i>	یادداشت:
عنوان اصلی:	موضوع:
ادبیات — تاریخ و نقد — مقاله ها و خطابه ها.	شناسه ی افزوده:
کوثری، عبدالله، ۱۳۲۵ — . مترجم.	رده بندی کنگره:
PN۸۶	رده بندی دیویی:
۸۰۹	شماره ی کتاب شناسی ملی:
۷۶۳۰۱۵۸	

۱۲۲ ۴۲۴۶
۱۴-۲-۲۷

www.ketab.ir

خودم با دیگران

کارلوس فونسیکا
عبدالله کوثری

نویسنده
مترجم

پاییز ۱۴۰۰
نسخه ۱۵۰۰

چاپ اول
تیراژ

حسین سجادی
مصطفی حسینی
محمد تقی بابایی
آرماتسا
صنوبر
آرماتسا

مدیر هنری
ناظر چاپ
حروفچینی
لینوگرافی
چاپ جلد
چاپ متن و صحافی

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۲۰۹-۱۶۸-۳
همه ی حقوق برای ناشر محفوظ است.



فهرست

سخن مترجم ۷

بخش اول: خودم

چگونه نوشتن را آغاز کردم ۱۵

چگونه یکی از کتاب‌هایم را نوشتم ۴۹

بخش دوم: دیگران

سروانتس، یا نقیض خرابدین ۷۵

دو قرن دیدرو ۱۰۳

گوگول ۱۲۳

لویس بونونل و سینمای آزادی ۱۶۱

بورخس در عمل ۱۸۵

«ک» دیگر ۲۰۹

گابریل گارسیا مارکز و ابداع امریکا ۲۳۳

بخش سوم: ما

سخنرانی در هاروارد ۲۵۵

مصاحبه با کارلوس فوننتس ۲۷۳

عصر زرین اسپانیا ۲۹۱

نمایه ۳۱۵

سخن مترجم

چاپ نخست این کتاب زمانی منتشر شد که جز دو سه کتاب از کارلوس فوننتس به فارسی ترجمه نشده بود و ما چنان که بایست با گستره‌ی تفکر و هنر این مکزیکی گرانقدر آشنا نبودیم. امروز خوشبختانه بسیاری از رمان‌های فوننتس و نیز بسیاری از مقالات و گفت‌وگوهای او به فارسی ترجمه شده و خوانندگان ایرانی او را نه تنها در مقام رمان‌نویس بزرگ، که همچون متفکری جهانی ارج می‌نهند.

کتاب حاضر ترجمه‌ی مجموعه‌ی مقالاتی است گردآمده در یک کتاب با عنوان خودم یا دیگران که در اصل به انگلیسی نوشته شده. گستره‌ی این کتاب از نویسنده‌ی نخستین رمان مدرن اروپایی، سروانتس، تا میلان کوندرا کشیده شده و در فاصله‌ی میان این دو، فوننتس نویسندگانی چون بونوئل، گولگو، بورخس و گارسیا مارکز و کارگردانی چون لوئیس بونوئل را از دیدگاه خود به خواننده معرفی می‌کند. مناسب‌ترین تعریف برای این کتاب این است که بگوییم راهی دیگر برای نگرستن به ادبیات پیش روی ما می‌نهد و ما را به شناختی تازه از ادبیات می‌رساند.

ویژگی کار فوننتس در این نقدها این است که بیش از هر چیز بر بیان تجربه‌ی خود از آشنایی با این نویسندگان تأکید داشته و خود را محدود به نظریه‌ها و تفسیرهای آکادمیک نکرده است. او آنچه را که دیده با خواننده در میان می‌نهد و از این روست که نگاه او نگاهی یگانه و بی‌بدیل است و به ما فرصت می‌دهد دنیای پرتنوع ادبیات را از چشم انسانی تماشا کنیم که نه تنها دانشی عمیق در همه‌ی زمینه‌های فرهنگ انسانی دارد، بلکه خود نویسنده‌ای تواناست و ادبیات اصیل را می‌شناسد و چنان که بایست قدر می‌نهد. افزون بر این مقالات، در این کتاب دو مقاله در باره‌ی خود فوننتس و اثر مشهورش آنورا می‌خوانیم که می‌تواند در

شناخت نویسنده و آشنایی بیش تر با آنورا و سرچشمه های این رمان کوچک پرجاذبه سودمند باشد.

فونتس نویسنده ای است که توانسته از سرچشمه های گوناگون فرهنگ انسان در گذشته و حال سیراب شود، در فرهنگ و ادبیات ملت های بسیار کندوکاو کند و از هر یک خوشه ها برگیرد. با این همه او، به رغم فرارفتن از مرزهای ملی و منطقه ای، نویسنده ای مکزیکی-امریکای لاتینی باقی مانده است. امروزه، با توجه به آنچه از فونتس به فارسی ترجمه شده، می توانیم خطوط اصلی اندیشه و مهم ترین دغدغه های ذهنی او را - چنان که در کتاب هایش آمده - بشناسیم و برشماریم.

جین فرانکو، منتقد و صاحب نظر سرشناس ادبیات امریکای لاتین، در کتاب تاریخ ادبیات امریکای لاتین از زمان استقلال می نویسد: «اگر گابریل گارسیا مارکز گذشته را به گونه ای جادویی باز می آفریند، فونتس گذشته را تحلیل می کند و آن را مقابل اکنون می گذارد.» سخن دقیق تر این است که بگوییم مهم ترین ویژگی آثار فونتس تلاش برای کشف هویت مکزیکی - و به معنایی وسیع تر کل امریکای لاتین - و پی بردن به این نکته است که «این هویت چرا و چگونه چنین شده است. فونتس، برای یافتن پاسخ این پرسش، در گذشته و اکنون کندوکاو می کند و می کوشد رابطه ی این دو را باز شناسد. اما نگاه فونتس نگاه تاریخنگار نیست. او می گوید رمان چیزی را بیان می کند که تاریخ ناگفته گذاشته است. علاوه بر این، نزد فونتس گذشته چیزی نیست که پشت سر ما باشد، بلکه در برابر ما و در پیرامون ما حضور دارد و بر ما تأثیر می گذارد.

دو رمان اول فونتس، آن جا که هوا پاک است و آسوده خاطر، که هر دو در دهه ی ۱۹۵۰ منتشر شد، بیش از هر چیز به این پرسش می پردازد که چگونه و چرا آرمان های انقلاب مکزیکی (۱۹۱۰-۱۹۱۴) در نیمه ی اول قرن بیستم بدل به سرایی دست نیافتنی شد و نیروهای فعال در جامعه آن را به راهی کشاندند یکسره ناهمخوان با تصویری که در دوران انقلاب شکل گرفته بود. از نظر فونتس، این تراژدی ای بود که بار دیگر تکرار می شد. چرا که او سرنوشت کل امریکای لاتین را در ناکام ماندن آرمان بهشتی بر روی زمین خلاصه می کند که قرار بود بر سرزمین بکر و دور از غوغا و خشونت و خونریزی اروپا ساخته شود، اما فاتحان قاره از

همان گام نخست آن را به خون و استبداد و استثمار آلودند و بعد از ایشان نیز دیکتاتورهایی که هریک الگوی جدید پادشاه مستبد بودند، باقی مانده‌ی امیدی را که چون شعله‌هایی گاه سرکش و گاه بی‌رمق زبانه می‌کشید، زیر چکمه خاموش کردند.

باری، فونتنس در دو کتاب اول و نیز در رمان مشهور مرگ آرتمیو کروس می‌کوشد گذشته و اکنون مکزیک را مقابل هم بگذارد تا در این آینه‌ها چهره‌ی «خون چکان» ملتی همواره در تب و تاب را تصویر کند. نگاه فونتنس در این سه رمان از مرزهای ملی و منطقه‌ای فراتر نمی‌رود و سبک رئالیستی او بخصوص در دو رمان اول با نگرش مارکسیستی آمیخته است. در این رمان‌ها شاهد پیدایش طبقه‌ی متوسط جدید هستیم که سخت دلبسته‌ی ظواهر پرزرق و برق تمدن آمریکایی است و گرفتار همان بیماری خودباختگی که در سراسر دنیای در حال توسعه عوارض آن را مشاهده کرده‌ایم، همچنین پیدایش مردانی صاحب نفوذ و ثروت که اغلب از قهرمانان دوران انقلاب بوده‌اند و اکنون چهره‌ی مسخ شده‌شان هیچ نشانی از آن آرمان‌های دوران جوانی ندارد. «او همین روست که فونتنس می‌گوید:» در مکزیک فقط قهرمانان مرده وجود دارند. «و نیز پیدایش دولتمردانی که بیش از پیش در روابطی ناسالم با ایالات متحده غرق می‌شوند.

بعد از این سه رمان و با گذشت زمان، گویی فونتنس با بخشی بیش‌تر به این نتیجه می‌رسد که برای یافتن آن پاسخ باید دامنه‌ی نگاه خود را گسترش بخشد، واقعیت را بسط دهد و، جدا از نیروهای ملموس و مادی جامعه، به عوامل پنهانی که زیر پوست تاریخ حرکت می‌کنند نیز توجه کند. مهم‌تر از همه این‌که تاریخ آمریکای لاتین را با تاریخ سرزمین مادر آن، یعنی اسپانیا، پیوند دهد و انسان آمریکای لاتین را نه در انتزاع، که بر متن سرگذشت انسان غربی در نظر آورد. از این مرحله، رئالیسم ساده‌ی فونتنس دیگرگون می‌شود و عناصری چون اسطوره، استحاله، پوست‌انداختن و حتی رمز و راز و جادو به آثار او راه می‌یابند. آثار او نخستین اثری است که همه‌ی این عناصر - یعنی تاریخ، اسطوره، جادو، استحاله و از همه مهم‌تر عنصر تمنا - را در خود دارد. در این مرحله‌ی دوم، کندوکاو در درون انسان‌ها بدل به یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آثار فونتنس می‌شود. او هویت انسانی را هویتی استحاله‌پذیر می‌بیند. انسان‌ها در طول زمان و در آن واحد چهره‌های

گوناگون می‌بایند، چون از مسیر گام‌های گوناگون نگریسته می‌شوند و از این روی خود نیز در آرزوی دیگر شدن و یافتن چهره‌ای دیگر هستند. اساطیر در قالب انسان‌های معاصر به زمین برمی‌گردند و این حضور گاه فرخنده، گاه فاجعه‌بار و گاه مضحکه‌آمیز می‌شود.

نمونه‌ی گویای این مرحله رمان پوست‌انداختن است. در این رمان، فوننتس در عین حال که گذشته و اکنون مکزیک را بازمی‌کاود، برای تحلیل تاریخ مکزیک کل تاریخ غرب را نیز بازنگری می‌کند، تاریخی که از فتح قاره آغاز می‌شود، به قرون وسطا می‌رود، از جنگ جهانی دوم می‌گذرد و حتی سر به جنگ ویتنام می‌زند. در طول این مسیر، ما شاهد حضور خشونت در کنار زیباترین نمادهای فرهنگ غرب هستیم. در چنین بستری است که چهار شخصیت پیوسته متغیر رمان زندگی واقعی خود را سپری می‌کنند و هر یک با چگونگی شخصیت خود به تاریخ گذشته شهادت می‌دهند و گویی به ما می‌گویند حاصل این تاریخ جز انسان‌هایی چون ما چه می‌تواند باشد؟

فوننتس در کتاب بعدی خود، یعنی رمان پر حجم و البته کم و بیش دشوار زمین ما، بیش از هر چیز به رابطه‌ی اسپانیا و دنیای جدید، فتح قاره، آرمان زائران دنیای جدید و سرانجام این آرمان می‌پردازد. رمان از پاریس آخر قرن بیستم آغاز می‌شود، بخش عمده‌ای از آن به دوران فیلیپ دوم و نیز به دوران فتح قاره اختصاص می‌یابد، آن‌گاه سیری در دوران امپراتوری روم می‌کند و باز به قرن بیستم بازمی‌گردد، به امریکای لاتین و در نهایت به پاریس، تا در این عهد فرهنگ مدرن تولد انسانی جدید را به ما نوید بدهد. در این رمان، هر رویداد می‌تواند روایت‌های متفاوت داشته باشد، هر انسان از دیدگاه‌های گوناگون نگریسته می‌شود، تاریخ با اسطوره درهم می‌آمیزد، روایت واقعی با روایت محتمل یا تمناشده برابر نهاده می‌شود و در همه جا نویسنده می‌کوشد از دیدگاه واحد، زبان واحد و روایت واحد بیرهیز تا خواننده گذشته را نه از زبان تاریخ، که از زبان رمان و با روایت ادبیات بشنود.

فوننتس دست‌کم در دو کتاب دیگر به مسئله‌ی رابطه‌ی اسپانیا و امریکای لاتین بازمی‌گردد، یک بار در کتاب آینه‌ی مدفون که تاریخ رابطه‌ی فرهنگی میان اسپانیا و دنیای جدید است و دیگر در رمان درخت پرتغال که سیر فرهنگ غرب را از روم به اسپانیا و از اسپانیا به امریکا نشان می‌دهد.